

چه کسی جعفر را به جشن سفارت عربستان فرستاد؟

قائم پناه، معاون پزشکیان در پاسخ به انتقادات حضور خود در مراسم روز ملی عربستان را با دوا دعا توجیه کرد: «به دستور مراجع ذی صلاح» و «اعلام صریح مواضع ایران». اما نه نامی از آن مراجع برد و نه محتوایی از آن مواضع ارائه داد. و این پرسش مطرح می شود که دستور از کدام مرجع صادر شده و وی با کدام صلاحیت، خود را سخنگوی مواضع رسمی جمهوری اسلامی معرفی کرده است.



۲

نامعادلانه محاصره - مذاکره

آمریکا در حال تثبیت یک زنجیره فشار دریایی، هوایی و اقتصادی علیه ایران است؛ در تهران اما از سوی دولتمردان همچنان سخن از تفاهم و مذاکره شنیده می شود.

۷ <



استیضاح میدری به سرنوشت قبلی ها دچار می شود؟

قالیباف مانع استیضاح

۳

اعتراض مقاومت به بغداد برای تحریم هوایی ایران

هشدار اول به الزیدی

۶



هرمز باید برای آمریکا پرهزینه بماند

پدرام حسینی
روزنامه نگار

تنگه هرمز امروز صرفاً یک گذرگاه دریایی نیست؛ به یکی از مهم ترین اهرم های فشار ایران در برابر آمریکا و غرب تبدیل شده است. اهمیت این اهرم دقیقاً در آنجاست که پس از سال ها تحریم، تهدید و جنگ، وابستگی حیاتی اقتصاد غرب به تجارت دریایی و انرژی عبوری از این منطقه، برای نخستین بار با یک نمود عینی و تسلیحاتی مواجه شده است. از دست رفتن این اهرم، صرفاً باز شدن یک آبراه نیست؛ عقب نشینی از یکی از معدود نقاطی است که طرف مقابل در آن هزینه واقعی فشار بر ایران را احساس می کند.

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۴

اقتصادی

صفحه ۸

فرهنگی

ازدواج شما به مزاج بانک خوش نمی آید!

تسهیلات ازدواج و فرزندآوری قرار بود یکی از مهم ترین ابزارهای حمایت اقتصادی از تشکیل خانواده و فرزندآوری باشد، اما آمارها از تداوم صف های طولانی، عقب ماندگی شبکه بانکی از تکالیف تعیین شده و ایجاد موانع برای متقاضیان حکایت دارد.

کمدی فارسی ها می فروشند؟ باید نگران باشید!

سینمای ایران طی روزهای ابتدایی مهرماه توانست پنجاه و هفت میلیارد و سیصد و چهل و یک میلیون تومان بفروشد. نکته قابل تأمل این است که از این میزان فروش، چهل و یک میلیارد و چهارصد و بیست و سه میلیون تومان از گیشه متعلق به یک کمدی است.

قائم‌پناه در واکنش به انتقادات گسترده از حضورش در جشن روز ملی عربستان، مدعی هماهنگی با «مراجع ذی‌صلاح» شد

چه کسی جعفر را به جشن سفارت عربستان فرستاد؟

برد و نه محتوایی از آن مواضع ارائه داد. و این پرسش مطرح می‌شود که دستور از کدام مرجع صادر شده و وی با کدام صلاحیت، خود را سخنگوی مواضع رسمی جمهوری اسلامی معرفی کرده است.

قائم‌پناه، معاون پزشکیان در پاسخ به انتقادات حضور خود در مراسم روز ملی عربستان را با دو ادعا توجیه کرد: «به دستور مراجع ذی‌صلاح» و «اعلام صریح مواضع ایران». اما نه نامی از آن مراجع



و با هماهنگی کامل ارکان نظام در جریان است» و اظهار داشت: «قائم‌پناه نماینده ارشد دولت در مراسم دیپلماتیک تهران نیز با هدف تثبیت منافع ملی و تقویت روابط منطقه‌ای انجام می‌شود.»

گفتنی است که ادعای «هماهنگی با ارکان نظام» به یک واکنشی منفعلانه و کلیشه‌ای بدل شده است. مروری بر سوابق دولت در طرح این ادعا به جهت پیشبرد امور خود نیز حاکی از همین مسئله است. بویژه اینکه این موضوع در ماجرای جلسه رای اعتماد به وزرای پیشنهادی دولت چهاردهم و طرح ادعای هماهنگی با رهبری از سوی پزشکیان در مجلس مطرح شد که بعداً خلاف آن مشخص شد. همچنین در سفر اخیر رئیس‌جمهور و تیم وزارت خارجه به نیویورک و انجام ملاقات خارج از چارچوب عراقچی با طرف آمریکایی، ادعای هماهنگی با ارکان نظام مطرح شد که پس از آن با توضیحات سرلشکر رضایی، دبیرشعام مشخص گردید که قرار بوده است صرفاً «شرط ۷ گانه ایران مجدداً به «واسطه‌ها» ابلاغ شود» گفته‌ای که به صورت ضمنی این موضوع را تایید می‌کند که مجوزی برای ملاقات عراقچی و وجود نداشته است. علاوه بر این نیز در ماجرای انعقاد تفاهم نامه اسلام آباد نیز با پیام رهبری مشخص شد که ایشان علی‌الاصول نظری دیگر داشتند و مخالف بودند.

که قائم‌پناه با اجازه چه کسی واز کجا دستور گرفته است که در این مراسم شرکت کند؟

از سوی دیگر، ادعای اعلام مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال اقدامات عربستان نیز بدون تشریح محتوای این مواضع مطرح شده است. و پرسش ایجاد میشود که قائم‌پناه با چه جایگاه و صلاحیتی منعکس‌کننده مواضع جمهوری اسلامی ایران است؟

قائم‌پناه در بخشی دیگر از توجیهات خود گفته است که به عربستانی‌ها منتقل کرده که «ان‌شاءالله زودی که موشک‌هایمان به آمریکا رسید، دیگر به شما حمله نمی‌کنیم!». این اظهارات قائم‌پناه در حالی مطرح می‌شود که گویا وی فراموش کرده است که پایگاه‌های هدف حملات ایران متعلق به آمریکا بوده واز همین پایگاه‌ها حملاتی علیه مردم کشورمان صورت گرفته است.

علاوه بر توجیهات قائم‌پناه، عباس رضایی‌ثرمین، مدیرکل حوزه معاونت اجرایی و سرپرست نهاد ریاست جمهوری مدعی شد: «قائم‌پناه بعنوان نماینده حاکمیت ایران، در قالب تقویت سیاست همسایگی و حسن همجواری و با ابلاغ مراجع رسمی و ذیصلاح» در مراسم روز ملی عربستان سعودی شرکت کردند.

احمدنیا رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت نیز هم مدعی شد که «دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در تمامی سطوح

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

حضور جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی و سرپرست نهاد ریاست جمهوری، و علی‌اکبر صالحی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی و وزیر امور خارجه در دولت دهم، در مراسم جشن روز ملی عربستان سعودی با انتقادات گسترده‌ای از سوی مردم و فعالان سیاسی رسانه‌ای همراه بود.

در واکنش به همین انتقادات، قائم‌پناه در مصاحبه تلفنی با برنامه «به وقت ایران» شبکه خبر در صداوسیما به توجیه حضورش در مراسم یادشده پرداخت و در این خصوص مدعی شد: «به دستور مراجع ذی‌صلاح برای بهبود روابط، در مراسم سفارت عربستان شرکت کردم و در این مراسم مواضع ایران نسبت به اقدامات عربستان را صراحتاً اعلام کردم و گفتم که ان‌شاءالله زودی که موشک‌هایمان به آمریکا رسید، دیگر به شما حمله نمی‌کنیم!»

البته که توجیهات غیرقابل قبول معاون رئیس‌جمهور درباره حضور در مراسم مذکور با هدف بهبود روابط، ابهاماتی را به همراه دارد. قائم‌پناه مدعی شده است که «به دستور مراجع ذی‌صلاح» در این مراسم شرکت کرده‌اند، اما توضیحی درباره هویت مرجع صادرکننده دستور ارائه نداده و این پرسش مطرح میشود

توازن دیپلماتیک کجاست؟

البته قابل ذکر است که نکته دیگری که دولت باید درباره آن شفاف‌سازی کند، سطح حضور مقامات سعودی در مراسم روز ملی ایران در ریاض و تناسب آن با حضور معاون رئیس‌جمهور ملی عربستان در تهران است. این مسئله در کنار سفر یک‌هفته‌ای وزیر علوم به عربستان، علوم به عربستان، پرسش‌هایی را درباره میزان رعایت اصل عمل متقابل و توازن در مناسبات دیپلماتیک تهران و ریاض مطرح می‌کند.

بر همین اساس، انتظار می‌رود دولت توضیح دهد که آیا سطح حضور مقامات دو کشور در این رویدادها و رفت‌وآمدهای رسمی، متناسب با جایگاه طرفین بوده و شأن جمهوری اسلامی ایران در این تعاملات رعایت شده است؟ به‌ویژه آنکه مراسم چهل‌وهفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ریاض، با حضور «فیصل بن عبدالعزيز»، شهردار ریاض، برگزار شده بود.

خبر کوتاه

نیلی: ملت اجازه معامله ارکان قدرت با دشمن را به پزشک‌یان نمی‌دهد

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی در حساب کاربری خود در ویراستی خطاب به رئیس‌جمهور نوشت: آقای پزشک‌یان! یقین بدانید ملت با غیرت ایران، هرگز نه به شما و نه هیچکس دیگری اجازه معامله با دشمنان برسر انرژی و مواد هسته‌ای و تنگه هرمز و ساحات مقاومت و دیگر سرمایه‌های راهبردی را نمیدهد. مردم ایران قطعاً درصدد انتقام و قتل آن خوک زرد و ریختن خون همه قاتلان امام شهید و فرزندان ایرانند؛ و آرمان و هدف‌شان محو صهیون و اسرائیل است و هر کس هم بخواهد پای خود را از مسیر امام و امت مبعوث کج بگذارد را ادب میکنند. هشدار!

بهادری جهرمی: آیا سطح تعامل با عربستان متقابل و متوازن است؟

لطفاً دولت توضیح دهد سطح حضور مقامات سعودی در مراسم روز ملی ایران در ریاض چه بوده که در مقابل، حضور معاون رئیس‌جمهور در مراسم روز ملی عربستان در تهران ضرورت داشته است؟ پس از سفر یک‌هفته‌ای وزیر علوم به عربستان، آیا این سطح از تعامل متقابل و متوازن بوده و با شأن کشور تناسب دارد؟

یکسال طول کشید اکونومیست به واقعیت منطقه برسد

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در کانال تلگرامی خود در واکنش به گزارش اخیر اکونومیست نوشت: یکسال طول کشید تا اکونومیست از «رؤیای پایان ج.ا.» به «واقعیت اخراج آمریکا از منطقه» برسد! اکونومیست که روندهای جهانی را پیش‌بینی می‌کند پارسال با رؤیای فروپاشی نوشت «عاقبت چه خواهد شد؟» حالا طرح یک سرباز آمریکایی شکست خورده را کشیده و نوشته «وقتی آمریکا کناره‌گیری کند، چه می‌شود؟»

ملاک عمل انقلابی است نه حرف انقلابی!

حجت‌الاسلام قاسمیان طی یک گفتگویی تلویزیونی اظهار داشت: بسیاری از مسئولان روی می‌آورند به رجزخوانی و اعلام مواضع قاطع به دشمن، که کار درست و لازمی است، اما باید توجه داشت که جای عمل را نمیگیرد و به فرموده قرآن آنچه «ملاک ارزیابی» است «عمل انقلابی» است، نه «حرف انقلابی». وی خطاب به کسانی که مدام سخن از تبعیت از رهبری میزنند، اظهار داشت: اینقدر از مقام معظم رهبری مایه نذارید که فلان مسئله هماهنگ شده یا اگر اینگونه باشد این کار را می‌کنیم!، باید در عمل از رهبری تبعیت کرد.

نجابت: جشن سعودی در کنار ایستادگی یمنی‌ها چه منطقی دارد؟

نماینده مردم شیراز در حساب کاربری خود نوشت: جناب قائم‌پناه اعلام کرده حضور در جشن ملی عربستان با دستور «مقامات ذی‌صلاح» بوده. از لحاظ حقوقی، پروتکل‌های شرکت در روز ملی کشورها، در صلاحیت وزارت خارجه است. آقایان در وزارت خارجه باید پاسخگو باشند؛ با کدام منطق، در بحبوحه ایستادگی یمن، دستور برش کیک در سفارت سعودی را داده‌اید؟!

مقاومت

خیابان میزبان دومین بزرگداشت سالگرد شهادت سید حسن نصرالله

روز گذشته، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی به مناسبت دومین سالروز شهادت سید مقاومت، سید حسن نصرالله (رضوان الله تعالی) و دویست و دهمین شب اجتماعات سراسری مردمی، بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه از مردم مبعوث خیابان دعوت شد تا در آستانه ششم مهرماه، سالروز شهادت سید حسن نصرالله، یاد و خاطره این شهید والا مقام زنده نگه داشته شود. در بخشی از بیانیه شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی آمده است: از عموم مردم غیور ایران اسلامی دعوت می‌نماید در دویست و دهمین شب اجتماعات سراسری، با حضور در میادین و عرصه‌های عمومی کشور، استمرار این حرکت هفت‌ماهه را به صحنه‌ای دیگر از ظهور همبستگی ملی، مسئولیت تاریخی و اراده جمعی ایرانیان برای صیانت از ایران تبدیل نمایند و هم‌زمان، در آستانه ششم مهرماه، سالروز شهادت سید مقاومت، شهید سید حسن نصرالله (رضوان الله تعالی علیه)، امشب و فردا شب با در دست داشتن پرچم لبنان و پرچم حزب الله و تصاویر آن شهید والا مقام، پیوند ناگسستنی ملت‌های مقاوم منطقه و امتداد جبهه مقاومت در دفاع از عزت، استقلال و تمامیت سرزمینی ملت‌ها را در میدان عمومی به نمایش گذارند.



خبر کوتاه

رضایی: برای توافق و تفاهم التماس نکنید

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه مجلس در حساب کاربری خود نوشت: برای توافق و تفاهم التماس نکنید چرا؟ چون دشمن برداشت ضعف از سوی ما می کند و نتیجه می گیرد که فشار بر ایران نتیجه داده لذا ادامه می دهد تا به همه اهدافی که در جنگ نرسید برسد.

سرلشکر عبداللہی: سرباز جوان ایرانی، جان فدای ناموس و وطن شد

سرلشکر خلیان علی عبداللہی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا در پیامی به مناسبت روز سرباز تاکید کرد: جوانان سرفراز ایران اسلامی، با احساس تکلیف ملی و شرعی خویش، در کنار سایر رزمندگان نیروهای مسلح و بسیج مردمی، از کبان نظام، جان، مال و ناموس ملت دفاع کرده اند و با نثار جان و سلامت خویش، امنیت و آرامش را برای امت غیور ایران به ارمغان آورده اند. وی همچنین تاکید کرد: در شرایط حساس تاریخی و راهبردی کنونی، که استکبار امریکایی صهیونی و حامیان منطقه ای و فرامنطقه ای آن، با توهمی واهی در پی تحقق اهداف شوم خویش در برابر جبهه حق هستند، حضور مؤثر و مقتدرانه جوانان سرباز، موجب ارتقاء چشمگیر توان دفاعی، امنیتی و انتظامی کشور و افزایش عمق بازدارندگی ملی گردیده است.

هدیه ویژه فرمانده هوافضای سپاه به ملی پوشان تکواندو

سردار سیدمجید موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران خطاب به ملی پوشان تکواندو در آستانه اعزام به بازی های آسیایی ناگويا پیامی صادر کرد. متن این پیام به شرح ذیل است: بسمه تعالی جوانان عزیز، ورزشکاران تیم ملی تکواندو، امروز، هر فرصت برافراشته شدن پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران، آوردگاه و میدانی برای نمایش عظمت و ارزش های ملت متمدن و مقتدر ایران است. ضمن دعای خیر و آرزوی موفقیت روزافزون، چشم به راه شما با مدال های رنگین هستیم. پیروز باشید.

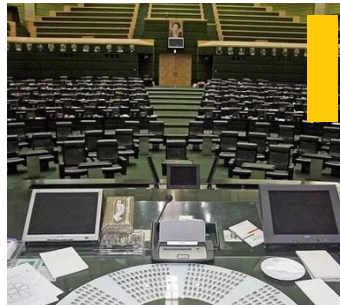
ابراهیمی: حضور در جشن سعودی اعلام جدایی از ملت بود

نماینده مردم اراک در واکنش به حضور دو مقام ارشد دولتی در جشن ملی سعودی در حساب کاربری خود نوشت: بریدن کیک با همدست قاتلان مردم سلحشور ایران و قصابان مردم مظلوم یمن نشانه بریدن از ملت مبعوث شده ایران اسلامی است.

عباسی: پایان این جنگ را ما باید ترسیم کنیم

نماینده مردم کرج در حساب کاربری خطاب به رئیس جمهور نوشت: در قسمتی از مصاحبه تان با فاکس نیوز گفته اید: «ما دنبال جنگ نیستیم، آمریکا باید تصمیم بگیرد که جنگ را تمام کند». آقای رئیس جمهور! اگر آمریکا امروز تصمیم بگیرد جنگ را تمام کند، مطمئن باشید فردایی نه چندان دور تصمیم می گیرد مجدداً آن را شروع کند. از این گونه اظهارنظرها اقتدار برداشت نمی شود، بلکه برداشت استیصال و ضعف متصور خواهد شد و دشمن را به ادامه جنگ و زیاده خواهی ترغیب می کند. لذا پایان این جنگ را ما باید ترسیم کنیم؛ و این پایان باید به گونه ای باشد که دشمن جنایتکار به سختی تنبیه شده و زمین گیر گردد، و مجبور شود از منطقه غرب آسیا خارج شود و دیگر هوس حمله مجدد را در سر نپوراند. این گونه است که بازدارندگی ایجاد می گردد و سایه جنگ برای سالیان سال از کشور دور خواهد شد؛ و گرنه چرخه باطل مذاکره، جنگ، آتش پس تا ابد ادامه خواهد داشت و این سبک حتماً مورد پسند و دلخواه دشمن جنایتکار بوده و به ضرر ایران اسلامی و مجموعه محور مقاومت خواهد بود. دریادلان نیروی دریایی ارتش با قدرت به مأموریت خود ادامه می دهند و از سواحل مکران صیانت می کنند.

مجلس دقیقا کجا است؟!



همزمان با موضع گیری های پراشکال پزشکیان در سفر به نیویورک و همچنین اقدامات عجیب عراقچی در دیدار با ویتکاف و قائم پناه برای حضور در مراسم جشن روز ملی عربستان سعودی، جای

خالی مجلس بعنوان راس امور برای ورود و نظارت بر روند ها بیش از گذشته حس می شود. بهارستان که پس از جنگ رمضان با بهانه های مختلف چندین ماه صحن علنی را تعطیل کرده است، اینک مورد سوال طیف های مختلف مردم برای عمل به رسالت نمایندگی ملت است. به اعتقاد کارشناسان هم اصل دیدار چند ساعته عراقچی با ویتکاف و هم برخی مواضع رئیس دولت در مصاحبه با فاکس نیوز، عبور واضح از خطوط قرمز اعلامی نظام اسلامی بوده است. در این شرایط حداقل انتظار از کلیت مجلس و بویژه هیات رئیسه آن، ورود جدی و فعالانه به مسائل روز کشور بود اما به نظر می رسد

تصمیم تعداد قابل توجهی از نمایندگان برای استیضاح میدری به نتیجه می رسد یا به سرنوشت قبلی ها دچار می شود؟

قالیباف مانع استیضاح

بیش از ۷۰ نماینده مجلس شورای اسلامی تصمیم گرفته اند تا احمد میدری وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی را استیضاح کنند؛ عددی که رو به افزایش است و نشان می دهد کلیت مجلس از عملکرد میدری در این وزارتخانه بزرگ اقتصادی و رفاهی رضایت ندارد. با این حال سابقه مجلس دوازدهم و به ویژه رویکرد هیات رئیسه و شخص قالیباف نشان داده عزم جدی برای استیضاح وزرای ناکارآمد وجود ندارد؛ موضوعی که پیش از این توسط بسیاری از نماینده ها به آن اشاره شد.

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

آنگونه که منان رئیسی طراح استیضاح مالوا جرد گفته است، از باب محافظت و دفاع از حقوق ملت این استیضاح را به جریان انداختم و تعلل در اعلام وصول باعث تضییع حقوق مردم است و هیئت رئیسه باید پاسخگو باشد که بعد

از ۴، ۵ ماه که این استیضاح جزو اولین مواردی بوده که به هیئت رئیسه ارجاع شده هنوز اعلام وصول نکرده است. مردم هم مرتب از من سوال می کنند و من هم پاسخی غیر از این ندارم و هیئت رئیسه باید پاسخگو باشد.

علاوه بر میدری و فرزانه صادق، نوری قزلجه وزیر جهاد کشاورزی هم در این دوره بارها مورد مواخذه نمایندگان قرار گرفت اما استیضاح او که بارها هم مطرح شده بود، به جایی نرسید. امیرحسین ثابتی نماینده مردم تهران در مجلس مردادماه گذشته به اشاره به ناراضی نمایندگان از عملکرد نوری نوشته بود: از مردم عزیز عذرخواهی میکنم که بعد از انفجار قیمتها در مواد غذایی، فقط توانستیم به وزیر مربوطه کارت زرد بدهیم در حالیکه اگر مجلس در راس امور بود و آئین نامه آن به درستی توسط قالیباف اجرا میشد، بسیاری از وزرا باید قبل از شروع جنگ استیضاح میشدند.

سال گذشته و پیش از آغاز جنگ رمضان، گفته شده بود ۹ وزیر در صف استیضاح قرار داشته اند. به گفته نادری، عضو هیات رئیسه مجلس در دیماه گذشته، احمد میدری، محسن پاک نژاد، فرزانه صادق، عباس علی آبادی، سیدعباس صالحی، احمد دنیامالی و غلامرضا نوری قزلجه وزرای کار، نفت، راه، نیرو، ارشاد، ورزش و کشاورزی به هیأت رئیسه مجلس ارجاع شده و استیضاح سیدمحمداتابک و حسین سیمایی صراف وزرای صمت و علوم هم در سامانه مجلس ثبت شده بود.

با همه اینها رئیس مجلس اجازه نداد هیچکدام از استیضاح ها به مرحله اجرا برسد و حتی گفته شده قالیباف در پاسخ به انتقاد نمایندگان گفته بود که گفت با توجه به حمایت های اخیر رهبر انقلاب از دولت، برداشت ما این است که فعلا هیچ استیضاحی صورت نگیرد!



موج گرانی در انگلیس؛ گازوئیل از ۲ پوند گذشت



بازار انرژی انگلیس با یکی از شدیدترین موج‌های افزایش قیمت سوخت در سال‌های اخیر روبه‌رو شده است. قیمت گازوئیل در بسیاری از جایگاه‌های سوخت این کشور از مرز ۲ پوند به ازای هر لیتر عبور کرده و میانگین کشوری به رکورد سال ۲۰۲۲ نزدیک شده است. براساس داده‌های انجمن خودروسازی RAC، میانگین قیمت گازوئیل در ۲۵ سپتامبر به ۱۹۸.۳۲ پنس در هر لیتر رسید؛ در حالی که رکورد قبلی ۱۹۹.۰۹ پنس در ژوئن ۲۰۲۲ ثبت شده بود.

این افزایش تنها یک مشکل داخلی بریتانیا نیست و بخشی از بحران گسترده‌تر بازار جهانی سوخت‌های پالایش‌شده است. رویترز چند روز پیش گزارش داده بود که صادرات گازوئیل از خاورمیانه در ماه‌های مارس تا اوت تقریباً نصف شده و به حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. اروپا در سال نزدیک به ۴۱ درصد واردات

می‌شود. هم‌زمان، خانوارهای انگلیسی با افزایش هزینه انرژی خانگی نیز مواجه‌اند. این شرایط می‌تواند فشار تورمی را افزایش دهد. هزینه بالاتر سوخت مستقیماً قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد و از طریق حمل‌ونقل و زنجیره تأمین بر قیمت کالاها نیز اثر می‌گذارد. همچنین، افزایش پایدار قیمت انرژی کار بانک مرکزی انگلستان برای کنترل تورم را دشوارتر می‌کند. اندرو بیلی، رئیس بانک مرکزی، می‌گوید تداوم قیمت‌های بالای انرژی می‌تواند حفظ سیاست فعلی نرخ بهره را دشوارتر کند. در مجموع، عبور قیمت گازوئیل در بسیاری از جایگاه‌های بریتانیا از ۲ پوند نمادی از فشار گسترده‌تری است که از بازار جهانی انرژی به اقتصاد این کشور منتقل شده؛ فشاری که هم هزینه زندگی خانوارها و هم هزینه فعالیت شرکت‌ها و حمل‌ونقل را افزایش می‌دهد.

((نوبنیاد)) از پیشه اصلی مشکلات اعطای تسهیلات به جوانان گزارش می‌دهد

ازدواج شما به مزاج بانک خوش نمی‌آید!



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار

نظام بانکی بار دیگر بر سر دوراهی «تکلیف قانونی» و «منافع خود» قرار گرفته است. اگرچه سیاست‌های کلان کشور و قانون «جوانی جمعیت»، حمایت از خانواده را به عنوان اولویت لاینفک سیاست‌گذاری‌ها تعیین کرده‌اند، اما گزارش‌های میدانی و آمارها نشان می‌دهد برخی بانک‌ها با ایجاد سدهای بروکراتیک و نادیده گرفتن تکالیف قانونی، عملاً در برابر این سیاست‌های راهبردی سنگ‌اندازی می‌کنند. تسهیلات ازدواج و فرزندآوری قرار بود یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت اقتصادی از تشکیل خانواده و فرزندآوری باشد، اما آمارها از تداوم صف‌های طولانی، عقب‌ماندگی شبکه بانکی از تکالیف تعیین‌شده و ایجاد موانع برای متقاضیان حکایت دارد.

ایران زمین، تجارت، توسعه تعاون، گردشگری و مسکن در بخش تسهیلات فرزندآوری، عملکردی کمتر از ۴۰ درصد سهمیه شش‌ماهه اول سال داشته‌اند. سازمان بازرسی این سطح عملکرد را «غیرقابل قبول» توصیف کرد و افزود: حتی متوسط عملکرد سایر بانک‌ها نیز فاصله قابل توجهی با تکلیف داشته است؛ به گونه‌ای که متوسط عملکرد بانک‌ها در بخش ازدواج ۷۷ درصد و در بخش فرزندآوری تنها ۶۱ درصد سهمیه تکلیفی اعلام شده است.

شاید مهم‌ترین بخش نامه سازمان بازرسی، نه صرفاً مربوط به اعداد پرداختی، بلکه مربوط به نحوه برخورد برخی شعب با متقاضیان باشد. معاون سازمان بازرسی با اشاره به بررسی‌های میدانی اعلام کرد که برخی شعب پرداخت تسهیلات را به ارائه دو ضامن و در مواردی صرفاً کارمند دولت، یا ارائه چک و سفته منوط کرده‌اند. در برخی موارد نیز هر دو شرط مطالبه شده است. شیرعلایی در نامه خود تصریح کرد: «بررسی‌های فوق حاکی از آن است که بعضاً پرداخت تسهیلات را منوط به ارائه دو ضامن (و در مواردی صرفاً کارمند دولت) و یا دریافت چک و در برخی موارد هر دو مورد مذکور کرده‌اند.» از سوی دیگر، برخی متقاضیان به دلایلی همچون نداشتن حساب فعال در بانک یا عدم انطباق محل سکونت با آدرس، از دریافت تسهیلات محروم شده‌اند؛ در حالی که این موارد در قانون و مقررات پیش‌بینی نشده است. سازمان بازرسی همچنین یادآوری کرد طبق دستورالعمل اجرایی اعطای تسهیلات خرد، در صورت کافی نبودن اعتبار متقاضی، بانک می‌تواند از ظرفیت‌هایی مانند توثیق حساب بازانه، سهام عدالت متقاضی یا بستگان درجه اول، سایر دارایی‌های مالی یا دریافت یک فقره سفته و یک نفر ضامن استفاده کند.

سهیم کمتر از ۳ درصدی در شبکه تسهیلات

طبق آمار بانک مرکزی، شبکه بانکی در پنج ماه نخست امسال ۵۵۱۸ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت کرده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶۸.۳ درصد افزایش داشته است. در مقابل، مجموع تسهیلات ازدواج و فرزندآوری پرداخت‌شده تا ۲۶ شهریور، ۱۶۲ هزار میلیارد تومان بوده است. بر این اساس، سهم این دو نوع وام از کل تسهیلات پرداختی شبکه بانکی حدود ۲.۹ درصد بوده است. از سوی دیگر، با توجه به سهمیه ۴۲۵ هزار میلیارد تومانی سال جاری، تا پایان شهریور باید حدود ۲۱۷ هزار میلیارد تومان تسهیلات ازدواج و فرزندآوری پرداخت می‌شد، اما عملکرد بانک‌ها ۱۶۲ هزار میلیارد تومان بوده؛ یعنی حدود ۵۵ هزار میلیارد تومان (۱۴ درصد) عقب‌ماندگی از قانون بوده است.

گازوئیل خود را از خاورمیانه تأمین می‌کرد که اختلال در عرضه منطقه‌ای بازار اروپا و انگلیس را تحت فشار قرار داده است. همچنین افزایش قیمت نفت، اختلال در مسیرهای تأمین و آسیب به برخی ظرفیت‌های پالایشگاهی باعث شده هزینه تولید و واردات گازوئیل افزایش یابد. با این حال قیمت نفت برنت حدود ۱۰۵ دلار در هر بشکه است. فشار فقط به رانندگان محدود نمی‌شود. براساس گزارش RAC، پرکردن یک پمپ خودروی خانوادگی ۵۵ لیتری با گازوئیل حدود ۱۰۸.۵۲ پوند هزینه دارد که تقریباً ۳۰ پوند بیشتر از پیش از آغاز جنگ آمریکا و ایران است.

افزایش قیمت گازوئیل همچنین هزینه حمل‌ونقل جاده‌ای، کشاورزی، توزیع کالا و خدمات وابسته به خودرو را بالا می‌برد. در نتیجه، بخشی از این هزینه از طریق افزایش قیمت کالاها و خدمات به مصرف‌کننده منتقل

پایان شهریور اعلام کرد که شبکه بانکی تا پایان شهریور بیش از ۲۷۳ هزار میلیارد تومان تسهیلات قرض الحسنه ازدواج، فرزندآوری، اشتغال و ودیعه مسکن را به بیش از یک میلیون و ۲۸۵ هزار متقاضی پرداخت کرده است. بانک مرکزی تأکید کرد: با وجود حملات سایبری اخیر، پرداخت وام ازدواج نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۵ درصد رشد داشته است. طبق اعلام بانک مرکزی، از ابتدای سال تا ۲۶ شهریور، ۴۰۴ هزار فقره تسهیلات ازدواج به ارزش بیش از ۱۳۶ هزار میلیارد تومان پرداخت شده است. این رقم از رشد ۴۵ درصدی در تعداد و مبلغ تسهیلات نسبت به مدت مشابه سال گذشته حکایت دارد. همچنین در همین بازه به ۲۷۷ هزار نفر، مجموعاً ۲۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات فرزندآوری پرداخت شده که تعداد دریافت‌کنندگان ۲۱ درصد و مبلغ پرداختی ۲۴ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است. بانک مرکزی با اشاره به حملات سایبری تأکید کرده بود که عملکرد شبکه بانکی بسیار مطلوب بوده و این عملکرد را نشان‌دهنده عزم و همکاری کارکنان و مدیران شبکه بانکی دانسته است. اما در کنار این روایت، یک سؤال مهم همچنان باقی است: آیا میزان پرداختی بانک‌ها متناسب با تکلیف و سهمیه‌ای بوده که برای آنها تعیین شده است؟ سؤالی که بانک مرکزی باید به آن پاسخ دهد اما این بانک در گزارش خود هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است. پاسخ این پرسش را می‌توان در نامه هشدار سازمان بازرسی کل کشور جست‌وجو کرد؛ نامه‌ای که هشدار نسبت به عملکرد شبکه بانکی در این زمینه است.

عملکرد بانک‌ها غیرقابل قبول است

سازمان بازرسی کل کشور روز گذشته اعلام کرد: در پی بررسی‌های میدانی بازرسان و دریافت گزارش‌های آماری از بانک مرکزی درباره عملکرد بانک‌ها در اعطای تسهیلات تکلیفی ازدواج و فرزندآوری، ستار شیرعلایی، معاون نظارت و بازرسی امور اقتصادی سازمان بازرسی، در نامه‌ای خطاب به رئیس کل بانک مرکزی نسبت به عملکرد غیرقابل قبول برخی بانک‌ها هشدار داده است. شیرعلایی در این نامه تأکید کرد که پرداخت این تسهیلات براساس مواد ۱۰ و ۶۸ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، الزامات قانون بودجه سال ۱۴۰۵ و دستورالعمل‌های بانک مرکزی، تکلیف شبکه بانکی است و موضوعات مربوط به خانواده و جوانی جمعیت جزو سیاست‌های کلان کشور تلقی می‌شود. اما نکته مهم‌تر، آمار عملکرد بانک‌هاست که در این نامه به آن اشاره شده است. براساس اطلاعات منتهی به ۲۴ شهریور، بانک‌های سرمایه، رسالت و توسعه صادرات ایران در بخش تسهیلات ازدواج و بانک‌های

بانک مرکزی ۳۰ اردیبهشت امسال منابع، سقف فردی تسهیلات قرض الحسنه ازدواج و فرزندآوری و سهمیه هر بانک را برای سال جاری به شبکه بانکی ابلاغ کرد. بر اساس این ابلاغ، مجموع تسهیلات قرض الحسنه ازدواج و فرزندآوری در سال جاری ۴۳۵ هزار میلیارد تومان تعیین شد که از این میزان، ۳۵۰ هزار میلیارد تومان به تسهیلات ازدواج و ۸۵ هزار میلیارد تومان به تسهیلات فرزندآوری اختصاص دارد. بانک مرکزی ۱۳ خرداد نیز دستورالعمل پرداخت تسهیلات ازدواج و فرزندآوری را به شبکه بانکی ابلاغ کرد. در این دستورالعمل تأکید شد متقاضیانی که پیش‌تر در سامانه مربوط ثبت‌نام کرده‌اند، در اولویت پرداخت قرار دارند و تسهیلات برای تمام افراد حاضر در صف، چه ثبت‌نام‌شدگان سال ۱۴۰۵ و چه سال‌های قبل، مطابق مبالغ ابلاغی قابل پرداخت است. براساس قانون بودجه، به هریک از زوجین واجد شرایط، ۳۰۰ میلیون تومان وام ازدواج تعلق می‌گیرد و در صورتی که سن زوج کمتر از ۲۵ سال و سن زوج کمتر از ۲۳ سال باشد، این مبلغ برای هریک از آنها به ۳۵۰ میلیون تومان افزایش می‌یابد. همچنین تسهیلات ازدواج ایثارگران طبق ماده ۵۰ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، دو برابر افراد عادی تعیین شده است. افزایش منابع اختصاص یافته به وام ازدواج، این انتظار را ایجاد کرده بود که صف متقاضیان کوتاه‌تر شود. سارا جلالی، معاون اداره عملیات اعتباری بانک مرکزی، با اشاره به این موضوع گفته بود: «در سال گذشته بودجه در نظر گرفته شده برای تسهیلات قرض الحسنه ازدواج حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بود.» او اعلام کرده بود که این رقم با رشد ۷۵ درصدی در سال جاری به ۳۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است و انتظار می‌رود امسال بیش از یک میلیون نفر از متقاضیان، این تسهیلات را دریافت کنند. با این حال، آمارها نشان می‌دهد مسئله صف متقاضیان همچنان حل نشده است. علیرضا عابدینی، حسابرس کل بانک مرکزی، ۵ شهریور اعلام کرد که ۴۵۱ هزار و ۴۳۸ نفر در صف دریافت تسهیلات ازدواج و حدود ۴۵۷ هزار نفر در صف دریافت تسهیلات فرزندآوری قرار دارند. او گفت: بر اساس بودجه پنج‌ماهه، بانک‌ها باید ۱۴۶ همت تسهیلات پرداخت می‌کردند.

چقدر وام ازدواج و فرزندآوری پرداخت شد؟

بانک مرکزی نیز آمارهایی از رشد پرداخت تسهیلات ارائه کرده است. این بانک یک هفته پیش از

موج خبر

رقابت ۹ متقاضی برای تصاحب سایپا

پرونده واگذاری بلوک ۴۲ درصدی سهام تودلی شرکت سایپا، یکی از مهم‌ترین رخداد‌های پیش‌روی بازار سرمایه و صنعت خودروی ایران است. این فرایند که پس از عبور از چالش‌های فنی نظیر «رفع توثیق» و انجام مراحل اداری لازم در مسیر اجرایی قرار گرفته، هم‌اکنون در انتظار به‌روزرسانی گزارش‌های کارشناسی برای ورود به فاز نهایی است. با توجه به اهمیت استراتژیک این واگذاری در اصلاح ساختار صنعت خودروسازی کشور، تحولات این پرونده به‌صورت دقیق زیر نظر سهامداران و نهادهای ناظر قرار دارد.

خبرگزاری فارس در این باره نوشت: بلوک ۴۲ درصدی مورد نظر، مجموعه‌ای از سهام در اختیار چهار شرکت گروه شامل گروه سرمایه‌گذاری سایپا، شرکت رنا، گروه سرمایه‌گذاری کارکنان سایپا و شرکت نیوان ابتکار است که به‌صورت تجمعی و یک‌جا عرضه خواهد شد. با توجه به اتمام اعتبار گزارش کارشناسی قبلی، پیگیری‌های لازم از مرکز وکلا و کارشناسان رسمی قوه قضائیه جهت تعیین ارزش‌گذاری جدید هر سهم در جریان است. در ارزیابی پیشین، ارزش کل شرکت سایپا بالغ بر ۳۳۶ هزار میلیارد تومان برآورد شده بود که البته با نهایه شدن گزارش جدید و در نظر گرفتن پرمیوم مدیریت و ارزش کنترل شرکت، قیمت پایه نهایه تعیین خواهد شد. در همین راستا، موضع‌گیری‌های اخیر مقام عالی وزارت صنعت، معدن و تجارت، شفافیت قابل توجهی به روند این خصوصی‌سازی بخشیده است.

وزیرصمت در سخنان اخیر خود با تأکید بر سیاست قاطع دولت مبنی بر تداوم خصوصی‌سازی در صنعت خودرو، اعلام کرد که هیچ مانع یا اشکال خاصی در فرایند واگذاری سهام خودروسازان وجود ندارد و این برنامه با جدیت دنبال می‌شود. وی ضمن تأکید بر شفافیت در فرایند، «خصوصی‌سازی واقعی» و «اختصاصی‌سازی»، تأکید کرد که هدف دولت واگذاری به افراد و مجموعه‌هایی است که صلاحیت و اهلیت لازم برای مدیریت صنعت خودرو را دارا باشند تا این صنعت از وضعیت زیان‌دهی خارج شده و به مسیر بهره‌وری بازگردد. در بخش متقاضیان، حضور ۹ گروه متقاضی که شامل کنسرسیوم‌هایی از خودروسازان، قطعه‌سازان، هلدینگ‌های بزرگ سرمایه‌گذاری و مجموعه‌های معتبر مالی و بانکی هستند، نشان‌دهنده جذابیت این بلوک مدیریتی است. طبق ضوابط سازمان بورس، فرایند تعیین اهلیت متقاضیان با دقت و بر اساس آیین‌نامه‌های دقیق معاملات عمده سهام انجام خواهد شد. این سازوکار نظارتی تضمین می‌کند که خریدار نهایی، نه صرفاً براساس بالاترین پیشنهاد قیمتی، بلکه بر مبنای داشتن صلاحیت‌های لازم برای هدایت کلان‌ترین شرکت خودروسازی کشور انتخاب شود. رقابت به‌صورت شفاف در بورس اوراق بهادار انجام خواهد شد. تاریخ دقیق و رسمی این عرضه، به‌محض وصول گزارش کارشناسی و رفع نهایه توثیق سهام اعلام خواهد شد.

نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

پاییز آمد، ناترازی گاز دوباره خبرساز شد

با ورود پاییز و کاهش تدریجی دما، مسئله تأمین پایدار گاز دوباره به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام انرژی کشور تبدیل می‌شود، اما پشت این تصویر آشنا، نبردی هر روزه در شبکه انرژی جریان دارد؛ نبرد میان عرضه محدود گاز و تقاضایی که با هر موج سرماییهی جهش می‌کند. امسال این نبرد حساس‌تر از همیشه است؛ نه فقط به دلیل رشد مصرف زمستانی، بلکه چون در جریان



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

کند. در چنین شرایطی، مسأله فقط قطع نشدن گاز خانه‌ها نیست؛ مسأله این است که برای نیروگاه‌ها و صنایع چه می‌ماند؟ همین جاست که محدودیت صنایع به عنوان نخستین گزینه مدیریت شبکه مطرح می‌شود؛ اقدامی که از منظر پایداری شبکه قابل فهم است، اما از منظر تولید و اشتغال پرهزینه است.

زنجیره ناترازی‌ها چگونه به هم وصل می‌شوند؟

وقتی گاز نیروگاه‌ها کم می‌شود، کشور ناچار است برای جلوگیری از خاموشی برق، روی سوخت مایع حساب کند. وزیر نفت از افزایش ذخایر سوخت مایع نیروگاه‌ها خبر داده تا در صورت کاهش تحویل گاز در زمستان، اختلالی در تولید برق رخ ندهد. همچنین برای صنایع نیز با افزایش ذخیره‌سازی نفت‌کوره و گازوئیل هماهنگی‌هایی انجام شده تا در اوج سرما، کمبود گاز با سوخت جایگزین پوشش داده شود. اما این نسخه، درمان نیست؛ بیشتر شبیه «ضربه گیر» است. چون بحران گاز را حذف نمی‌کند، فقط محل بروز آن را تغییر می‌دهد: از شبکه گاز به اجستیک سوخت، هزینه‌های اقتصادی و پیامدهای زیست محیطی (به‌ویژه در مصرف نفت‌کوره). به بیان دیگر، اگر هر زمستان موفق شویم خاموشی ندهیم ولی با مصرف گسترده سوخت مایع و محدودیت صنایع، هزینه را در جای دیگری پرداخت کنیم، ناترازی همچنان پابرجاست و فقط مدیریت شده، نه حل.

چرا ناترازی با افزایش تولید حل نمی‌شود؟

نکته کلیدی همین جاست؛ همان‌طور که مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران تصریح کرده، موضوع فقط تولید و فروش گاز نیست. اگر گاز تولید و عرضه شود اما در مصرف، اتلاف و الگوی غیربهره‌مند ادامه داشته باشد، مسئله اصلی حل نمی‌شود. به همین دلیل، مسیرهای جدیدی مانند استفاده از ظرفیت شرکت‌های کارور و ایجاد گواهی صرفه جویی مطرح شده است؛ حتی نمونه مشخصی هم ارائه شده: تخصیص پنج میلیون مترمکعبی گواهی صرفه جویی برای یک طرح بهینه‌سازی در استان یزد و آغاز امکان معامله رسمی این گواهی‌ها در بورس انرژی. این ابزارها یعنی صرفه جویی می‌تواند از توصیه اخلاقی به سازوکار اقتصادی قابل سنجش تبدیل شود. در ادبیات عمومی، صرفه جویی معمولاً

به معنای کم‌مصرف کردن برای کاهش قبض تعبیر می‌شود. اما در زمستان ناترازی، صرفه جویی خانگی معنای راهبردی دارد؛ هر مترمکعب گاز که در خانه‌ها و ساختمان‌ها از مصرف غیرضروری کم‌شود، می‌تواند به نیروگاه‌ها و صنایع برسد؛ یعنی پشتوانه تولید، اشتغال و پایداری برق. از همین زاویه است که آمادگی تولید هم اهمیت پیدای می‌کند. مدیرعامل شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی از آمادگی پالایشگاه‌ها برای فرآورش حداکثری و پایدار خبر داده و گفته تعمیرات اساسی در شش پالایشگاه مطابق برنامه انجام شده است. اما سمت عرضه هر چقدر هم آماده باشد، اگر سمت تقاضا در روزهای سرد کنترل نشود، سهم گاز نیروگاه و صنعت باز هم قربانی جهش مصرف خانگی می‌شود.

مدیریت مصرف فقط برای مردم نیست

تکیه صرف بر رفتار خانوارها کافی نیست. بخش قابل توجهی از مصرف، نتیجه «کم‌بازده بودن» ساختمان‌ها، موتورخانه‌های فرسوده، تجهیزات غیربهره‌مند و اتلاف در شبکه است. راهکارهای مهمی که بدون کاهش سطح رفاه می‌تواند مصرف را پایین بیاورد عبارتند از: اصلاح و تنظیم موتورخانه‌ها (تنظیم مشعل، کنترل دما، سرویس دوره‌ای)، عایق‌کاری ساختمان‌ها و کاهش پرت حرارتی، تنظیم دمای وسایل گرمایشی به جای گرمایش بیش از نیاز، استفاده از تجهیزات پربازده و کاهش مصرف غیرضروری، کاهش اتلاف در شبکه و بهبود بهره‌وری در فرآیندهای صنعتی. هدف از صرفه جویی نباید سردتر شدن خانه‌ها باشد؛ هدف باید کاهش اتلاف و افزایش بهره‌وری باشد. نگرانی درباره زمستان فقط در دولت مطرح نیست. محمد رستمی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس می‌گوید: تکمیل ذخایر سوخت نیروگاه‌ها در حال پیگیری است و مدیریت مصرف باید پیش از اوج مصرف طراحی شود؛ همچنین دولت باید گفت‌وگویی شفاف و مستمر با مردم داشته باشد. از نگاه او، محدودیت انرژی مستقیماً تولید را نشانه می‌رود و تجربه محدودیت برق در تابستان گذشته نشان داد تکرار این وضعیت در زمستان (این بار به دلیل گاز) می‌تواند تولید و رشد اقتصادی را تحت فشار قرار دهد. جمع‌بندی او روشن است: تأمین برق و گاز بخش تولید باید در اولویت قرار گیرد و در کنار آن از ظرفیت همراهی مردم برای مدیریت مصرف استفاده شود.

نبض اقتصاد

همتی از کنترل تورم می‌گوید یا از عادی‌سازی فاجعه؟

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی دولت مسعود پزشکیان، پنجشنبه گذشته در گفت‌وگو با صداوسیما از تلاش در حد توان برای کنترل تورم سخن گفت و دیروز نیز در خبری که روی سایت بانک مرکزی رفت، با استناد به کاهش جزئی تورم نقطه‌به‌نقطه در شهریور امسال، این‌گونه القا کرد که مسیر تورم در حال اصلاح است، اما سؤال اصلی اینجاست که وقتی تورم نقطه‌به‌نقطه در سطح ۸۳.۸ درصد ایستاده، دقیقاً از چه کنترلی سخن گفته می‌شود. واقعیت آن است که کاهش ۰.۶ واحد درصدی تورم نقطه‌به‌نقطه از ۸۴.۴ درصد در مرداد به ۸۳.۸ درصد در شهریور، نه نشانه مهار پایدار تورم، بلکه صرفاً یک مکث ناچیز در قله‌ای بی‌سابقه است. خود همتی نیز اذعان کرده تورم ماهانه شهریور ۳.۹ درصد بوده؛ رقمی که اگر تداوم یابد، معنایی جز استمرار فشار سنگین بر معیشت مردم ندارد. به بیان روشن‌تر، حتی در روایت مطلوب بانک مرکزی هم قیمت‌ها با سرعتی بالا در حال افزایش‌اند و تنها از شتاب صعود کاسته شده، نه از اصل بحران. طبق گزارش بانک مرکزی، تورم ماهانه مرداد ۳.۷ درصد بود که نسبت به ۳.۶ درصد تیر افزایش داشت. اما تورم ماهانه در شهریور و براساس اعلام خود همتی به ۳.۹ درصد رسیده است. تورم نقطه‌به‌نقطه از ۸۳.۹ درصد در تیر به ۸۴.۴ درصد در مرداد افزایش یافت و در شهریور با کاهش ۰.۵ واحد درصدی به ۸۳.۸ درصد رسیده است.

همتی همچون گذشته، بار اصلی تورم را بر دوش جنگ، تحریم، محاصره و انتظارات تورمی می‌اندازد و از انباشت ناترازی‌ها سخن می‌گوید؛ گویی همه در این وضعیت مقصرند جز تصمیمات دولت و سیاست‌گذار پولی و ارزی. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین نقاط جهش تورمی، به شوک ارزی دی‌ماه سال گذشته بازمی‌گردد؛ همان مقطعی که با حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی و گران‌سازی ارز رسمی، موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها به کالاهای اساسی و سپس به کل اقتصاد منتقل شد. دولتی که مدعی بود ارز ترجیحی به مصرف‌کننده نمی‌رسد، در عمل شاهد چندبرابر شدن قیمت اقلام ضروری بود؛ اتفاقی که نشان داد فشار این تصمیم نه بر رانت‌خواران، بلکه مستقیم بر سفره مردم تخلیه شده است. آمارها نیز همین را فریاد می‌زنند. تورم نقطه‌به‌نقطه در آغاز دولت چهاردهم ۳۵.۸ درصد بود اما در شهریور امسال به ۸۳.۹ درصد رسید؛ یعنی افزایشی ۴۸.۱ واحد درصدی در کمتر از دو سال. این عملکرد، دولت چهاردهم را از منظر رشد تورم در صدر دولت‌های پس از دفاع مقدس قرار داده است. در مقابل، در پایان دولت شهید رئیسی، تورم نقطه‌به‌نقطه ۵۵.۷ درصد در ابتدای دولت بود به ۳۵.۸ درصد کاهش یافته بود که افتی ۱۹.۹ واحد درصدی را نشان می‌دهد و مسیر تورم، نزولی شده بود. اما با آغاز سیاست‌های موسوم به آزادسازی اقتصادی در دولت چهاردهم، روند مهار تورم کنار گذاشته شد و اقتصاد دوباره به سراشی بی‌ثباتی افتاد. نگران‌کننده‌تر آنکه بحران تنها به تورم مصرف‌کننده محدود نیست. طبق گزارش مرکز آمار، تورم نقطه‌به‌نقطه تولیدکننده در بهار امسال به ۹۸.۹ درصد رسیده؛ عددی که عملاً اقتصاد را در آستانه ورود به تورم سه‌رقمی در لایه تولید قرار داده است. تورم فصلی تولیدکننده نیز ۲۸.۳ درصد و تورم سالانه آن ۶۶.۷ درصد ثبت شده است. این ارقام به زبان ساده یعنی موج جدید گرانی هنوز در راه است، زیرا تورم تولیدکننده با وقفه‌ای کوتاه به تورم مصرف‌کننده منتقل می‌شود. امروز همان کسی که در دوره‌ای با تورم حدود ۳۵ درصدی، زبان به تندترین انتقادها می‌گشود و از لزوم عذرخواهی مسئولان سخن می‌گفت، امروز در برابر تورم ۸۴ درصدی، از کنترل تورم سخن می‌گوید و آن را گردن جنگ می‌اندازد؛ در حالی که تورم پیش از جنگ رمضان و از ابتدای دولت چهاردهم صعودی شده بود.

سوخت مایع؛ ضربه‌گیر زمستان

یکی از مهم‌ترین اقدامات برای مدیریت زمستان امسال، افزایش ذخایر سوخت مایع نیروگاه‌هاست. وزارت نفت اعلام کرده است که در صورت کاهش

تحويل گاز به نیروگاه‌ها، گازوئیل و نفت‌کوره می‌توانند بخشی از سوخت مورد نیاز آنها را تأمین کنند. این اقدام از منظر مدیریت بحران اهمیت دارد. اگر گاز در روزهای

بسیار سرد به دلیل افزایش مصرف خانگی و تجاری محدود شود، امکان استفاده از سوخت جایگزین می‌تواند از اختلال در تولید برق جلوگیری کند؛ اما اینجا یک تفاوت مهم وجود دارد: ذخیره سوخت مایع، ناترازی گاز را حل نمی‌کند؛ بلکه اثر آن را مدیریت می‌کند. اگر نیروگاه به جای گاز از گازوئیل یا نفت‌کوره استفاده کند، کمبود گاز برای مدتی از شبکه برق دورنگه داشته می‌شود، اما هزینه دیگری به اقتصاد انرژی تحمیل خواهد شد. حمل و ذخیره‌سازی سوخت، هزینه عملیاتی نیروگاه‌ها و پیامدهای زیست‌محیطی، به‌ویژه در مورد نفت‌کوره، بخشی از این هزینه است.

یادداشت

پایان عصر «واشنگتن سالاری»
در غرب آسیامحسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

اکنون میست در تحلیلی کم سابقه، نه از احتمال کاهش حضور آمریکا، بلکه از پایان نقش واشنگتن به عنوان معمار نظم خاورمیانه سخن می گوید. اعتراضی مهم از سوی یکی از رسانه‌های اثرگذار غرب که نشان می دهد ایران، محاسبات راهبردی آمریکا را دگرگون کرده و عصر اداره خاورمیانه از پشت میزهای واشنگتن به پایان خود نزدیک شده است. تحولی که می تواند یکی از مهم ترین پیامدهای جنگ اخیر باشد.

اکنون میست در این تحلیل، صرفاً از احتمال کاهش حضور آمریکا در خاورمیانه سخن نمی گوید بلکه حرف اصلی بسیار فراتر از این است. این تفاوتی اساسی با روایت های برخی از افراد خودباخته دارد که هنوز، هر تحول منطقه ای را با این فرض تحلیل می کنند که نهایتاً واشنگتن تصمیم می گیرد، دیگران اجرامی کنند و منطقه باید خود را با اراده آمریکا تطبیق دهد.

اکنون میست صریح می نویسد که آمریکا پس از سه جنگ، عملیات مخفی بی شمار و دوره های بی پایان دیپلماسی، تلاش برای تحمیل طرح های خود را به پایان رسانده و از نقش «معمار» منطقه دست خواهد کشید. قرار نیست آمریکا یک شبه از خاورمیانه ناپدید شود اما یک اتفاق مهم در حال رخ دادن است. واشنگتن دیگر نمی تواند هزینه باخت های پیاپی در خاورمیانه را مانند گذشته بپردازد.

نشانه ای که اکنون میست برجسته می کند، حتی از کاهش تعداد نیروها مهم تر است. آمریکا در ماجرای یمن، به جای ورود به جنگ در کنار عربستان علیه انصاری پشت سر متحد خود مذاکره کرده تا کشتی های آمریکایی از حملات مصون بمانند.

جنگ ایران نیز این روند را عریان تر کرده است. جنگی که قرار بود با نمایش قدرت آمریکا، قواعد جدیدی را بر منطقه تحمیل کند، اکنون خود به عاملی برای بازنگری واشنگتن در میزان تهداتش تبدیل شده است. موشک و پهپاد، پایگاه های متعدد آمریکا را به نقاط آسیب پذیر تبدیل کرده اند و هزینه حفظ این شبکه امنیتی، بیش از گذشته در برابر اهداف آن قرار گرفته است. این همان نقطه ای است که برخی در ایران هنوز حاضر به دیدنش نیستند. مسئله، دل بستن به خروج آمریکا نیست. مسئله، شناخت یک واقعیت در حال وقوع است. اکنون میست تصریح کرد که آمریکا حتی اگر در جنگ با ایران به دستاوردهایی برسد، با منطقه ای مواجه خواهد بود که دیگر بازگشت آن به وضعیت پیش از جنگ آسان نیست. و اگر نتواند اهدافش را محقق کند، این عقب نشینی با سرعت و فشار بیشتری همراه خواهد شد.

اکنون میست در نهایت تصویری از خلأ قدرت ارائه می کند. خلأیی که ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی را به عنوان سه قدرت مهم منطقه ای در برابر یکدیگر قرار می دهد. یعنی مسئله اصلی دیگر این نیست که آمریکا چه زمانی خاورمیانه را ترک می کند. مسئله این است که پس از پایان نقش آمریکا، چه کسی و با چه قواعدی نظم منطقه را شکل خواهد داد. و تنگه هرمز از آن دست اهرم هایی است که خودباختگان باید بدانند تعیین کننده قدرت منطقه غرب آسیا خواهد بود. حالا مسئله برای ایران، تماشای خروج آمریکا نیست بلکه استفاده از پایان این انحصار برای ساختن نظمی است که در آن، تهران یکی از تعیین کنندگان قواعد بازی باشد، نه موضوع تصمیم دیگران.



حسام یاردوست

روزنامه‌نگار

دستور رسمی تعلیق پروازهای جمهوری اسلامی ایران به فرودگاه نجف، نه از سوی یک مقام فنی یا نهاد مستقل، بلکه مستقیماً از دفتر نخست وزیر عراق صادر شده است. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شد که عراق هنوز زیر سایه سنگین حضور نظامی و نفوذ سیاسی آمریکا قرار دارد و ملت این کشور بیش از دو دهه طعم تلخ اشغالگری، حمایت از داعش و جنایات بی شمار آمریکایی ها را چشیده است. آنچه رخ داد، نمایش آشکار وابستگی و بی ارادگی دولتی است که مدعی حاکمیت و استقلال است.

آمریکا برای عراق چه آورد؟

مردم عراق حق دارند این سؤال را بپرسند که حافظه تاریخی کشورشان قرار است کجای این معادله قرار بگیرد. آمریکا در سال ۲۰۰۳ با ادعای وجود سلاح های کشتار جمعی به عراق حمله کرد؛ سلاح هایی که بعداً اثری از آنها پیدا نشد. نتیجه آن حمله، نه آزادی و ثبات وعده داده شده، بلکه سال ها اشغال، ناامنی، فروپاشی ساختارهای دولتی و جنگ داخلی بود. شورای روابط خارجی آمریکا نیز در مرور جنگ عراق تصریح کرده که واشنگتن هیچ سلاح کشتار جمعی فعالی در عراق پیدا نکرد و اشغال هشت ساله با هزینه انسانی و مالی سنگینی همراه شد.

بعد از خروج نیروهای آمریکایی نیز عراق روی آرامش ندید. خلأ امنیتی ایجاد شده پس از جنگ و فروپاشی بخشی از ساختارهای نظامی و سیاسی، زمینه رشد گروه های تروریستی را فراهم کرد و داعش در سال ۲۰۱۴ بخش هایی از عراق را تصرف کرد و موصل را به اشغال خود درآورد.

در آن روزهای سیاه، جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مقاومت عراق در کنار ارتش و مردم عراق وارد میدان شدند.

شیخ اکرم الکعبی: صبر مقاومت
زیاد نخواهد بود

شیخ اکرم الکعبی، دبیرکل جنبش مقاومت اسلامی نجباء، در پیامی صریح و بی پرده، این دوگانگی را افشا کرد. او گفت سخن گفتن از حاکمیت و استقلال و همزمان جلوه دادن عراق به عنوان روستایی کوچک تحت کنترل آمریکای جنایتکار، مصداق دوگانگی و امری غیرقابل پذیرش است. الکعبی همه جریان های سیاسی از هر طیف و گرایشی را در قبال این مواضع اسفناک مسئول دانست.

او هشدار داد صبر مقاومت زیاد نخواهد بود. اگر این مسئله حل نشود، کشور از سلطه آمریکا خارج نشود و پروازها میان عراق و جمهوری اسلامی ایران از سر گرفته نشود، از مردم آزاده عراق، خادمان مواکب حسینی و زائران امام رضا علیه السلام دعوت می کند که برای تحصن در فرودگاه های عراق آماده شوند تا اراده آمریکا را بشکنند. این فراخوان، نه تهدید تو خالی، بلکه اعلام آمادگی نیروهای میدان برای دفاع از کرامت ملی و پیوندهای عمیق مذهبی و تاریخی دو ملت است.

واکنش چهره های مقاومت عراق نیز کمتر از پیام الکعبی تند و روشن نبود. سید صلاح المکصوصی، از فرماندهان حشد الشعبی، با زبانی تیز و مستقیم گفت سال هاست به این عادت داده شده ایم که مرزها بسته شوند و تصمیم های عراق به جای اراده ملی، با اشاره سفارتخانه ای به گروگان گرفته شوند. سفارتی که جز سایه ذلت چیزی برای سرزمین نیفکنده است.

دبیرکل کتاب سید الشهداء: محاصره ایران، محاصره خیمه های حسین (ع) است
ابوآلاء الولائی، دبیرکل کتاب سید الشهداء، نیز با ارجاع به تاریخ عاشورا، این اقدام را ادامه محاصره خیمه های حسین علیه السلام دانست. او گفت برای عراق حسین شایسته نیست که در روزگار ما به بخشی از محاصره ای ظالمانه علیه ایران، سرزمین علم و جهاد، تبدیل شود.

جنبش بصائر عراق نیز در بیانیه ای رسمی، تصمیم دولت را آغاز عادی سازی روابط با

با اعتراض قاطع فرماندهان و چهره های اثرگذار مقاومت، دفتر نخست وزیر عراق از مذاکره با واشنگتن برای معافیت تحریم هوایی ایران خبر داد

هشدار اول
به الزیدی

یک روز پس از دستور تعلیق پروازهای ایران به نجف از سوی دفتر نخست وزیر عراق، اعتراض چهره های سیاسی، دینی و فرماندهان مقاومت عراق به این تصمیم شدت گرفت. آیت الله مدرسی، مرجع عالی کربلا، نسبت به پذیرش خواسته های دشمنان و محدودیت تردد زائران ایرانی هشدار داد. شیخ اکرم الکعبی، دبیرکل نجباء، نیز با فراخوان تحصن در فرودگاه های عراق، جریان های سیاسی را مسئول این اقدام دانست و از پایان یافتن صبر مقاومت خبر داد. فرماندهان حشد الشعبی و جنبش بصائر این تصمیم را آغاز عادی سازی با آمریکا و خدشه به کرامت ملت عراق توصیف کردند. عادل عبدالمهدی، نخست وزیر سابق عراق، بستن حریم هوایی به روی ایران را اشتباهی بزرگ خواند و خواستار عقب نشینی دولت شد. هادی العامری نیز لغو محدودیت پروازهای ایرانی را مطالبه کرد. همزمان، تجمع اعتراضی در بصره برگزار شد. در پی افزایش اعتراضات، دفتر نخست وزیر عراق از مذاکره با آمریکا برای معافیت برخی فرودگاه ها خبر داد.

آمریکا توصیف کرد. آمریکایی که در پی نابودی اسلام، تحقیر عراق و تبدیل آن به میدانی برای نزاع ناعادلانه خود در جنگ ظالمانه اش علیه ایران است.

تغییر موضع ناگهانی الزیدی

بلافاصله پس از انتشار این مواضع قاطع، دفتر نخست وزیر عراق عقب نشینی کرد. بیانیه ای صادر شد که دولت در حال گفت و گوی مستقیم با طرف آمریکایی است تا برخی فرودگاه های کشور از اقدامات وزارت خزانه داری آمریکا در خصوص پروازهای شرکت های هواپیمایی ایران معاف شوند. این عقب نشینی سریع، نشان داد فشار مقاومت کارآمد است و الزیدی که به عنوان مجری طرح خلع سلاح مقاومت تا پایان ضرب الاجل عمل می کرد، ناچار به تغییر موضع شده است. مذاکره با آمریکایی ها برای بازگشایی احتمالی فرودگاه نجف، نه نشانه ای از استقلال، بلکه اعتراف به وابستگی و تلاش برای کسب اجازه از اشغالگران است.

ملت عراق انتظار داشت به دلیل سال ها اشغالگری و جنایات آمریکا در خاک این کشور و حمایت آشکار از داعش، دولت بغداد کلیه پروازهای آمریکا در آسمان عراق را متوقف کند. اما آنچه رخ داد، دقیقاً عکس آن بود. پروازهای ایران که خون عزیزترین فرزندان برای حفظ استقلال عراق و دفع فتنه داعش در خاک این کشور به زمین ریخته شده، ممنوع اعلام شد. این تناقض آشکار، بیش از هر چیز عمق نفوذ آمریکا و ضعف اراده سیاسی بغداد را آشکار می کند.

موضوع الزیدی به عنوان مجری طرح خلع سلاح مقاومت نباید رها شود. این تصمیم تعلیق پروازها، بخشی از همان پروژه ای است که هدفش تضعیف نیروهای مقاومت و باز کردن مسیر برای نفوذ کامل آمریکا است. مقاومت عراق نشان داد که هنوز صدای میدان بلندتر از صدای دفاتر سیاسی وابسته است. تحصن در فرودگاه ها، اگر لازم باشد، نه تنها اعتراض، بلکه اعلام این است که عراق هنوز زنده است و اراده اش را نمی فروشد.

ملت عراق و نیروهای مقاومت نشان دادند که کرامت، استقلال و وفاداری به خون شهدا، خط قرمز است و هیچ دولتی حق ندارد آن را به پای بیگانگان قربانی کند.

ترامپ رسماً اعلام کرد پیشنهاد دولت پزشکیان را نمی‌پذیرد و به محاصره تنگه هرمز ادامه می‌دهد

نامعادله محاصره – مذاکره

آمریکا در حال تثبیت یک زنجیره فشار دریایی، هوایی و اقتصادی علیه ایران است؛ در تهران اما از سوی دولتمردان همچنان سخن از تفاهم و مذاکره شنیده می‌شود. مجموعه اقدامات ایالات متحده نشان می‌دهد واشنگتن درصدد آن

است که فشار علیه ایران را از یک اقدام مقطعی به یک سازوکار پایدار محاصره و محدودسازی تبدیل کند؛ سازوکاری که از دریا آغاز شده، به حوزه هوانوردی رسیده و اکنون مسیرهای زمینی و کشورهای پیرامونی را نیز تحت تأثیر قرار داده است.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

واشنگتن در حال تثبیت اهرم فشار

این تصور نیز صرفاً محصول ادبیات سیاسی ترامپ نیست. دولت آمریکا طی هفته‌های گذشته مجموعه‌ای از اقدامات را برای ایجاد محدودیت در مسیرهای ارتباطی و اقتصادی ایران به اجرا گذاشته است. کاخ سفید پیش‌تر اعلام کرده بود که آمریکا کنترل تنگه هرمز را در اختیار گرفته است. در بیانیه رسمی کاخ سفید در ۲۸ اوت، از قول ترامپ آمده بود: «تنها کسی که اکنون کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارد، نیروی دریایی آمریکا است.»

ترامپ حتی بار دیگر نقشه‌ای از تنگه هرمز منتشر کرده که عنوان «تنگه ترامپ» بر آن درج شده بود؛ اقدامی که پس از رد پیشنهاد ایران صورت گرفت و به روشنی نشان می‌دهد ترامپ در حال تثبیت محاصره است.

محاصره دریایی؛ نقطه آغاز

رویتز در گزارش ۲۴ سپتامبر خود صراحتاً نوشت ایران در شرایطی قرار دارد که «با محاصره آمریکا علیه بنادر خود در دریا مواجه است.» این گزارش همچنین تأکید کرد که واشنگتن در حال گسترش دامنه تحریم‌ها به شرکت‌های کشورهای ثالثی است که با شرکت‌های ایرانی همکاری می‌کنند. به بیان بهتر واشنگتن تلاش می‌کند محیط پیرامونی ایران را نیز به بخشی از سازوکار محاصره تبدیل کند.

حلقه دوم؛ آسمان ایران

این سیاست در حوزه هوانوردی نیز آشکار شده است. اسکات بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا، در توضیح سیاست جدید واشنگتن اعلام کرده است شرکت‌ها و فرودگاه‌هایی که به هواپیماهای ایرانی خدمات ارائه کنند، با خطر تحریم مواجه خواهند شد. او درباره خدماتی مانند سوخت رسانی، خدمات فرودگاهی و فروش بلیت هشدار داده و گفته بود: «اگر به آنها سوخت بدهید، خدمات فرود ارائه کنید یا برای آنها بلیت بفروشید، از نظام دلاری خارج خواهید شد.»

رویتز گزارش داده است که پس از پایان ضرب‌الاجل آمریکا، پروازهای شرکت‌های ایرانی به کشورهای منطقه از جمله امارات و عمان متوقف یا لغو شد. الجزیره نیز گزارش داده است که محدودیت‌های جدید علاوه

یادداشت

هرمز باید برای آمریکا پرهزینه بماند

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

تنگه هرمز امروز صرفاً یک گذرگاه دریایی نیست؛ به یکی از مهم‌ترین اهرم‌های فشار ایران در برابر آمریکا و غرب تبدیل شده است. اهمیت این اهرم دقیقاً در آنجاست که پس از سال‌ها تحریم، تهدید و جنگ، وابستگی حیاتی اقتصاد غرب به تجارت دریایی و انرژی عبوری از این منطقه، برای نخستین بار با یک نمود عینی و تسلیحاتی مواجه شده است. از دست رفتن این اهرم، صرفاً باز شدن یک آبراه نیست؛ عقب‌نشینی از یکی از معدود نقاطی است که طرف مقابل در آن هزینه واقعی فشار بر ایران را احساس می‌کند.

در این میان، برخی ادعاها حاکی از آن است که از اوایل سپتامبر تاکنون روند خروج نفت از تنگه هرمز افزایش یافته و به حدود ۱۰ تا ۱۳.۵ میلیون بشکه در روز رسیده است؛ رقمی معادل حدود ۵۰ تا ۶۷ درصد میزان خروج نفت در شرایط پیش از جنگ. مسئله دقیقاً همین جاست. هر مقدار که جریان انرژی از هرمز بدون پرداخت هزینه قابل توجه برای طرف مقابل ادامه پیدا کند، به همان میزان تصور «دست بالاتر» در ذهن آمریکا تقویت می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی را می‌توان در ادبیات مذاکراتی طرف مقابل دید؛ طرفی که به جای ورود به مذاکره از موضع برابر، تلاش می‌کند شروط خود را روی میز بگذارد. بنابراین هرمز نباید از یک اهرم فشار فعال به یک ابزار نمادین و صرفاً تبلیغاتی تبدیل شود.

از سوی دیگر، گزارش مولومانیتور درباره ناوگان آمریکایی نیز قابل توجه است. بر اساس این گزارش، طی ۲۶ روز گذشته تصاویر ماهواره‌ای سنتینل ۲- هیچ یک از ناوهای هواپیمابر «یواس اس جورج اچ. دبلیو. بوش»، «یواس اس جورج واشنگتن»، «یواس اس باکسر» و ناوشکن‌های کلاس آرلی برک را در محدوده‌ای که این گزارش آن را خط محاصره دریایی ایران توصیف کرده، نشان نداده است. فارغ از تفسیر دقیق عملیاتی این تصاویر، همین واقعیت نشان می‌دهد که آرایش دریایی آمریکا در اطراف ایران موضوعی است که باید با دقت رصد شود.

همزمان، فرانسه با هماهنگی آمریکا در حال پیگیری پیش‌نویس قطعنامه‌ای در شورای امنیت درباره «آزادی دریانوردی» در هرمز است. آسوشیتدپرس به نقل از یک دیپلمات سازمان ملل گزارش داده که این قطعنامه بر آزادی دریانوردی و اهمیت هرمز برای حمل و نقل جهانی، امنیت غذایی و انرژی تأکید دارد. یک دیپلمات فرانسوی نیز به خبرگزاری فرانسه گفته است: «فرانسه می‌خواهد با آمریکایی‌ها و شرکایش روی قطعنامه‌ای در شورای امنیت کار کند که آزادی دریانوردی در تنگه هرمز را تضمین کند.»

این تلاش دیپلماتیک یک پیام روشن دارد: هرمز برای غرب مسئله‌ای حاشیه‌ای نیست. بنابراین پاسخ ایران نیز نمی‌تواند صرفاً در سطح بیانییه باقی بماند. در چنین شرایطی، آنچه اهمیت دارد حفظ و تقویت کنترل مؤثر بر هرمز و افزایش هزینه حضور نظامی آمریکا در پیرامون آن است؛ نه واگذاری تدریجی اهرمی که سال‌ها جنگ و تحریم نتوانست از ایران بگیرد. هرمز اگر قرار است اهرم باشد، باید اهرم واقعی بماند؛ اهرمی که طرف مقابل نتواند بدون پرداخت هزینه از کنار آن عبور کند.

وقت تغییر راهبرد در برابر محاصره

کشورهای منطقه نباید اجازه دهند واشنگتن آنها را به حلقه‌های اجرای فشار علیه ایران تبدیل کند. تجربه روزهای اخیر نشان داده است که تحریم‌های ثانویه دقیقاً با همین منطق عمل می‌کنند: آمریکا شرکت با کشور ثالث را در برابر یک انتخاب قرار می‌دهد؛ همکاری با ایران یا حفظ دسترسی به شبکه مالی و اقتصادی آمریکا. پاسخ ایران به چنین سیاستی نمی‌تواند صرفاً اعتراض دیپلماتیک باشد.

وقتی آمریکا در حال تثبیت ابزار فشار خود است، پاسخ ایران نیز باید تثبیت ابزارهای مقاومت و محاصره‌شکنی باشد.

مسیرهای زمینی را نباید نادیده گرفت

هرچه فشار بر مسیرهای دریایی و هوایی افزایش پیدا کند، اهمیت مسیرهای زمینی بیشتر خواهد شد. گزارش‌های اخیر از حرکت بخشی از مسافران و تجارت ایران به سمت مسیرهای زمینی و افزایش فشار بر گذرگاه‌های مرزی حکایت دارد.

طبیعی است هر مسیر جایگزینی که بتواند امکان تنفس اقتصادی و ارتباطی ایران را حفظ کند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و طبیعتاً در معرض فشار بیشتری قرار خواهد گرفت. از این منظر، سخن گفتن از احتمال حرکت فشار آمریکا به سمت مسیرهای زمینی، هشداری درباره آینده روند کنونی است.

باز هم خطای محاسبانی

خطای محاسبانی آنجاست که تهران، به جای تمرکز بر خنثی کردن اهرم محاصره آمریکا، بخش مهمی از ظرفیت دیپلماتیک خود را صرف ارائه طرحی برای رفع همان محاصره کند. عراقچی می‌گوید: «اگر طرف آمریکایی برای رسیدن به توافق و بازگشایی تنگه هرمز جدیت داشته باشد، همه چیز آماده است.» اما ترامپ در سوی مقابل پاسخ داده است که این توافق را قبول ندارد. راه برون‌رفت از این وضعیت، تعطیل کردن دیپلماسی نیست؛ بلکه تغییر نسبت میان دیپلماسی و قدرت است.

مذاکره‌کنندگان باید به جای آنکه بازگشایی هرمز را به یک موضوع باج دهی به آمریکا تبدیل کنند، باید بر محاصره‌شکنی تمرکز داشته باشند. تقویت کریدورهای زمینی، توسعه مسیرهای تجاری با همسایگان، استفاده از ظرفیت چین و روسیه، تقویت بنادر و ناوگان تجاری، ایجاد سازوکارهای مالی مستقل، توسعه مسیرهای هوایی جایگزین، کاهش وابستگی به خدماتی که تحت سلطه نظام مالی آمریکا قرار دارند و حتی اقدام نظامی تهاجمی، اجزای یک سیاست واقعی محاصره‌شکنی هستند.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم
nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ
C U L T U R A L
یکشنبه ۵ مهر ۱۴۰۵ سال اول شماره ۱۴۴

یادداشت

کنسرت سراسیمه برای خواننده هتاک

علی نقدی
روزنامه‌نگار

خبرگزاری ایسنا اخیراً از احتمال برگزاری کنسرت محسن نامجو خبر داده است. این خبر، پرده از یک شتاب‌زدگی معنادار و پرسش برانگیز برمی‌دارد. هنوز جوهر خبر بازگشت او به کشور خشک نشده و گردوغبار سال‌ها لجن پراکنی علیه مقدسات و ارکان این ملت فرو ننشسته که گویی جریانی دست‌اندرکار شده تا با سرعتی غیرعادی، از این چهره نه‌تنها قباح‌ت‌زدایی کند، بلکه صحنه رسمی کشور را در اختیار او بگذارد. این سراسیمگی برای روی سن فرستادن فردی با چنان کارنامه سیاهی، نشان از یک غفلت عمیق فرهنگی یا پروژه‌ای تعمدی برای عادی‌سازی وقاحت دارد.

نامجو همان کسی است که زمانی با وقاحت تمام، آیات کلام الهیچید را دستمایه تمسخر و ابتذال قرار داد؛ همان که با شادمانی از داغ ملت و شهادت امام شجاع ما سخن گفت و سال‌ها بذر خود تحقیری و تخریب هویت ملی را در اذهان پاشید. حال چه اتفاقی افتاده که صرف چند موضع‌گیری تاکتیکی علیه پادوهای پهلوی، عده‌ای را چنان ذوق‌زده کرده که می‌خواهند با بلیت‌فروشی و تریبون رسمی، گذشته او را بشویند؟

مرز میان مدارای اسلامی با وادادگی فرهنگی کجاست؟ بازگشت به کشور یک مسئله است و بخشیدن تریبون رسمی به کسی که هنوز حتی کمترین نشانه‌ای از ندامت علنی و عذرخواهی رسمی از ملت شریف ایران بروز نداده، مسئله‌ای دیگر. برپایی کنسرت برای چنین عنصری، پیش از آنکه نمایش «تسامح» باشد، دهن‌کجی آشکار به خون‌شهدا، اعتقادات جامعه و احساسات جریحه‌دار شده میلیون‌ها ایرانی مؤمن است.

این شتاب‌زدگی بی‌جا حاصلی جز فروریختن استاندادهای اخلاقی و هنری کشور نخواهد داشت. نمی‌توان با ژست‌های روشنفرکرانه و مواضع نیم‌بند ضدپهلوی، کارنامه سال‌ها هتاک‌را لاپوشانی کرد. توبه بازگشت شروطی دارد که نخستین آن، جبران خسارت‌های معنوی واردشده به روح جامعه و اعلام برائت شفاف از گذشته تاریک است؛ نه اینکه در چشم‌برهم‌زدنی، استیج موسیقی کشور به پاداش موضعی حداقلی، پیش‌کش فردی هتاک شود. افکار عمومی و جامعه مؤمن ایران این تظہیرشتاب‌زده را برنمی‌تابند و اجازه نخواهند داد ارزش‌های اصیل انقلاب در پای مصلحت‌اندیشی‌های بی‌مایه قربانی شود.

مدارس غیرانتفاعی؛ منطقه ممنوعه نظارت؟

جشن آغاز سال تحصیلی در تعدادی از مدارس غیرانتفاعی در سراسر کشور منتشر شده که بسیار حساسیت برانگیز است. برای مثال، در ویدیویی از یکی از مدارس، اجرای حرکات موزون تعدادی از معلمان زن مقابل دانش‌آموزان پسر در فضای مجازی باز نشر شده است. از سوی دیگر، ویدیوی منتشر شده از یک مدرسه در مهرشهر کرج، نگرانی‌ها را از وضعیت آموزش کودکان افزایش داده است.



انتظار خانواده‌ها برای نظارت دقیق‌تر نیز بیشتر می‌شود. با این حال، آنچه در سال‌های اخیر بارها دیده‌ایم، حکایت دیگری دارد؛ برنامه‌ای برگزار می‌شود، تصویری منتشر می‌شود، فضای مجازی ملتهب می‌شود و تازه بعد از آن، مسئولان به فکر بررسی موضوع می‌افتند. این دیگر اسمش نظارت نیست؛ این یعنی دستگاه ناظر، منتظر می‌ماند تا تخلف احتمالی و ایرال شود و بعد وارد عمل شود. آموزش و پرورش اگر در مدارس دولتی برای کوچک‌ترین مسائل آموزشی و انضباطی سازوکار نظارتی دارد، چرا در مدارس غیرانتفاعی باید بخشی از فعالیت‌های فرهنگی و فوق برنامه بدون نظارت جدی باقی بماند؟ آیا بازرسی‌ها فقط برای تکمیل فرم و تنظیم گزارش اداری است یا واقعاً کسی می‌داند در جشن‌ها، اردوها و برنامه‌های فوق برنامه این مدارس چه اتفاقی می‌افتد؟

از سوی دیگر، نمی‌توان مسئله را صرفاً به پوشش یا یک برنامه خاص تقلیل داد. موضوع بزرگ‌تر، ره‌اشدگی احتمالی بخشی از مدارس غیرانتفاعی در حوزه تربیتی و فرهنگی است؛ جایی که برخی مدیران مدرسه ممکن است تصور کنند تا زمانی که والدین معترض نشده‌اند و حتی برخی از والدین موافق چنین هنجارشکنی‌هایی هستند و فیلمی در فضای مجازی منتشر نشده، هر برنامه‌ای قابل اجراست. این وضعیت باید متوقف شود. مدرسه محل تربیت است، نه منطقه آزاد فرهنگی. مدرسه‌ای که از خانواده‌ها شهریه‌های سنگین دریافت می‌کند، باید بیش از هر چیز در برابر خانواده و دستگاه ناظر پاسخگو باشد.

آموزش و پرورش نیز باید یک بار برای همیشه روشن کند که مدارس غیرانتفاعی قرار است «غیرانتفاعی» باشند، نه «غیرقابل نظارت». اگر نظارت وجود دارد، نتیجه بازرسی‌ها و برخورد با تخلفات احتمالی را شفاف اعلام کند و اگر نظارتی در کار نیست، بهتر است مسئولان صادقانه بگویند چه کسی قرار است مراقب فضای تربیتی میلیون‌ها دانش‌آموز در این مدارس باشد.

مدرسه نمی‌تواند حیاط خلوت باشد؛ حتی اگر شهریه‌اش چند ده میلیون تومان باشد.

ماجرای مدارس غیرانتفاعی دیگر فقط به شهریه‌های نجومی، کلاس‌های پر زرق و برق و تبلیغات رنگارنگ محدود نمی‌شود. هر سال، هم‌زمان با بازگشایی مدارس، تصاویری از برنامه‌هایی منتشر می‌شود که این سؤال را جدی‌تر از گذشته مطرح می‌کند: در بخشی از مدارس غیرانتفاعی دقیقاً چه می‌گذرد و آموزش و پرورش کجای این ماجرا ایستاده است؟ طی روزهای اخیر، گزارش‌ها و تصاویری از نحوه برگزاری

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

اول مهر برای برخی از خانواده‌ها فقط آغاز یک سال تحصیلی نیست؛ برای بسیاری از آنها آغاز یک سال هزینه‌کرد سنگین برای مدرسه‌ای است که قرار است فرزندشان را آموزش دهد و تربیت کند. مدارس غیرانتفاعی سال‌هاست با وعده امکانات بیشتر، آموزش متفاوت‌تر و خدمات ویژه‌تر، شهریه‌های قابل توجهی از خانواده‌ها دریافت می‌کنند. اما در مقابل این پول، به جای تمرکز بر کیفیت آموزش، برخی از ضدا ارزش‌ها را عادی‌سازی می‌کنند و کسی هم نیست که آنها را بازخواست کند.

در روزهای اخیر، گزارش‌ها و تصاویری درباره یکی از مدارس غیرانتفاعی مهرشهر کرج منتشر شده است؛ گزارش‌هایی درباره نحوه پوشش دانش‌آموزان در جشن آغاز سال تحصیلی که با چارچوب‌های معمول مدارس فاصله داشته و مشابه یک مدرسه اروپایی بوده است. در این تصاویر، دانش‌آموزانی دیده می‌شوند که ظاهراً در یک جشن مختلط حضور یافته‌اند؛ در حالی که دختران با لباس فرم مدرسه که شامل دامن است، در کنار دانش‌آموزان پسر دیده می‌شوند که در حال پذیرایی و دابسمش با آهنگ رپ هستند که مناسب این رده سنی نیست. در کنار آن، ویدیویی نیز از مدرسه دیگری در فضای مجازی منتشر شده که اجرای حرکات موزون تعدادی از معلمان زن مقابل دانش‌آموزان پسر نشان می‌دهد. درباره صحت تمام جزئیات و انتساب دقیق این تصاویر باید از مدرسه و آموزش و پرورش منطقه توضیح خواست. اما مسئله فقط یک مدرسه و یک ویدیو نیست. مسئله این است که آیا برخی مدارس غیرانتفاعی تصور می‌کنند چون از خانواده‌ها شهریه‌های سنگین می‌گیرند، می‌توانند در حوزه فرهنگی و تربیتی نیز برای خود قواعد جداگانه‌ای داشته باشند؟ پاسخ روشن است: خیر. مدرسه غیرانتفاعی، مدرسه‌ای خارج از نظام تعلیم و تربیت کشور نیست. خصوصی بودن یا دریافت شهریه بالا، مجوز عبور از ضوابط نیست. اتفاقاً هرچه شهریه بیشتر و ادعای ارائه خدمات ویژه‌تر باشد،

یادداشت

کمدی فارسی‌ها می‌فروشند؟ باید نگران باشید!

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

سینمای ایران طی روزهای ابتدایی مهرماه ۳۴۲ هزار مخاطب داشته و توانست گیشه خود را به پنجاه و هفت میلیارد و سیصد و چهل و یک میلیون تومان برساند. نکته قابل‌تأمل این است که از این میزان فروش، چهل و یک میلیارد و چهارصد و بیست و سه میلیون تومان از گیشه متعلق به یک کمدی است و شانزده فیلم دیگر روی هم کمتر از شانزده میلیارد تومان فروخته‌اند. آمارها نشان می‌دهد که سینمای ایران به دوران تک‌محصولی بازگشته است. دورانی که یک فیلم قرار است با رکوردشکنی احتمالی خود جور خلاهایی چون کمبود بیننده دیگر فیلم‌ها را بکشد.

این مسئله دو اثر دیگر هم دارد و آن این است که دیگر کمتر تهیه‌کننده و سرمایه‌گذاری به خودش این اجازه را می‌دهد که وارد سینمای جدی و غیرکمدی بشود چون ریسک حضورش در این عرصه بسیار زیاد است. مسئله بعدی هم این است که این کمدی‌ها به سهم خودشان امکان سیاست‌زدایی از مردم مسلمان را با ارائه تیپ‌های مذهبی و توهین به آنها فراهم می‌کنند. مثلاً فیلم خانم‌والده که الان روی پرده است با استفاده از عنصر زن‌پوشی و حجاب سنتی می‌خواهد زنان مسن جامعه ایران را که هنوز دچار دگردیسی فرهنگی نشده‌اند آماج حملات خود قرار دهد و نگاه مخاطبان هدف را به این طیف به شکل منفی تغییر دهد.

وگرنه کمدی در جای خودش اصلاً چیز بدی نیست اما این فیلم‌ها برای بازتولید امر فرهنگی و تغییر ذائقه عمومی دارند ساخته می‌شوند و حتی پخش و سینما دار هم به خاطر سود مادی و معنوی‌اش با این آثار همراهی می‌کند و حتی سانس‌آوری مثل اسکورت را که خوب داشتند می‌فروختند به این آثار هبه می‌کند. در واقع ما شاهد یک مهندسی فرهنگی خاموش هستیم که از طریق خنده‌های سطحی و ابتذال، ارزش‌های اصیل دینی و سنتی جامعه را نشانه رفته است.

وقتی سالن‌های سینما به جای نمایش آثار فاخر و دغدغه‌مند، به ویتربینی برای ترویج سبک زندگی غربی و تمسخر باورهای بومی تبدیل می‌شود، باید نگران آینده هویت ملی و دینی خود باشیم. مسئولان فرهنگی نیز باید بدانند حمایت از این آثار یک اشتباه اقتصادی و خیانت فرهنگی بزرگی است که مسیر اعتلای هنر متعهد را مسدود می‌کند. اگر همین روند ادامه یابد، سینمای ملی ما به یک سرگرمی صرفاً تجاری و بی‌هویت تبدیل خواهد شد که هیچ دستاوردی جز تهی کردن جامعه از معنویت و اخلاق نخواهد داشت.

در بازنامه‌ی رنج ملت‌ها پرداخت. وی با اشاره به ابعاد تکان‌دهنده وقایع تلخ اخیر در جنوب ایران تصریح کرد: «(زبان تصویر مرزهای جغرافیایی را درمی‌نورد و هنرمندان متعهد ایرانی به مدد جادوی سینما، داغ سنگین و جانکاه والدینی را که جگرگوشه‌های خود را در فجایع لامرد و میناب از دست دادند، به سندی زنده و فراموش‌ناپذیر در وجدان و حافظه عمومی جهان بدل خواهند ساخت.)» فریدزاده با تأکید بر نقش دیپلماسی فرهنگی در شکستن انحصار رسانه‌های جریان اصلی افزود: «(سینمای ایران حقیقت جو و عدالت‌خواه است؛ تصویر مظلومیت بی‌گناهان این فجایع نه‌تنها از یاد تاریخ نخواهد رفت، بلکه روایت رنج این خانواده‌ها الهام‌بخش وجدان‌های بی‌دار در سراسر جهان خواهد بود.)» این سخنان با استقبال چهره‌های فرهنگی حاضر در این رویداد بین‌المللی روبه‌رو گردید.



رئیس سازمان سینمایی کشور، در جریان سفر به فدراسیون روسیه و حضور در دوازدهمین مجمع بین‌المللی «فرهنگ‌های متحد» سن پترزبورگ و جشنواره «پروانه الماسی»، به تبیین مسئولیت خطیر هنر هفتم

رئیس سازمان سینمایی در روسیه از شهدای میناب گفت